

## نقش نظام‌الدین کرمانی در آبادانی مسجد جامع یزد

حمیدرضا امیری کمال آباد

دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، دانشگاه میبد

Email: yazd\_amiri@yahoo.com

### چکیده

شاه نظام‌الدین کرمانی از عاملان مالیاتی شاهرخ تیموری بود که به یزد فرستاده شد. از زندگانی وی به غیر از آن چه در گزارش‌های محدود تاریخ محلی یزد آمده، چیزی در دست نیست. او در سال ۸۱۹ هجری قمری برای آبادانی مسجد جامع یزد نقش به‌سزایی ایفا کرد. از جمله اقدامات وی ایجاد عناصری چون حوض جلوخان، پایاب محمودآباد، چاه‌خانه‌ی آب سرد، و ساخت‌وسازهای سردر و ایوان مسجد بود. در این پژوهش بر اساس داده‌های مکتوب تاریخی و شواهد معماری به معرفی اقدامات وی و تاریخچه‌ی این عناصر معماری پرداخته شده است.

کلمات کلیدی: یزد، مسجد جامع، نظام‌الدین کرمانی

### مقدمه

مسجد جامع یزد بر جایگاه آتشکده‌ای متعلق به دوران ساسانی بنا شده است؛ از همین رو هم نشانه‌های معماری ساسانی را دارد و هم شاهد ویژگی‌های معماری دوره‌های مختلف اسلامی در آن هستیم. نکته‌ی قابل توجه این‌که در ادوار تاریخی سعی بر آن بوده است تا در توسعه‌ی مسجد، آثار پیشینیان حفظ شود و تحولات، هماهنگ و متناسب با ساخت‌وسازهای پیشین آن باشد. ناگفته نماند این شیوه‌ی نگرش در دوره‌ی قاجار رو به افول گذاشته شد. بنابراین مسجد جامع یزد گنجینه‌ای است از تاریخ دوران پیش از اسلام تا دوران معاصر که این تاریخ در معماری آن جلوه‌گری می‌کند. در این پژوهش از میان آن دوره‌های تاریخی، به دوره‌ی تیموری و مشخصاً نقش شاه نظام‌الدین کرمانی پرداخته می‌شود.

قریب نیم قرن پس از پایان حکومت ایلخانان مغول، تیموریان زمام امور را در دست گرفتند و تا اوایل قرن دهم هجری به حکومت و فرمانروایی ادامه دادند. در این دوران یزد اغلب با سختی و ناامنی و زد و خوردهای قومی و محلی روبرو بود و مخصوصاً میان یاران و دسته‌های شاهزادگان تیموری جنگ و ستیز وجود داشت و مصادف با قحطی‌های سخت شد. با این وجود تعدادی از سلاطین، شاهزادگان و وزرای تیموری در یزد به عمران و آبادانی پرداختند. در این دوره به وسعت شهر یزد افزوده شد و بناهای تازه‌ای چه عمومی و چه شخصی و اعیانی در آن به‌وجود آمد. (افشار، ۱۳۷۷: ۳۸۱) سه مقطع مهم تاریخی این دوره در عمران مسجد جامع یزد به ترتیب عبارتند از:

۱) دوره‌ی امیرزاده پیرمحمد (۸۱۰ هـ.ق)

۲) دوره‌ی حکومت شاه نظام‌الدین کرمانی (۸۱۹ هـ.ق)

۳) دوره‌ی حکومت امیر جلال‌الدین چقماق شامی (۸۳۶ هـ.ق)

۴) دوره‌ی معین‌الدین علی بن قطب‌الدین میبیدی (۸۶۱ هـ.ق)

۵) دوره‌ی حکومت امیر نظام‌الدین حاجی قنبر شاهی (۸۶۲ هـ.ق)

۶) دوره‌ی امیر غیاث‌الدین (قرن نهم)

یکی از کسانی که در آبادگری مسجد جامع یزد نقش آفرینی داشت، نظام‌الدین کرمانی بود. بنا به گزارش نویسندگان تاریخ محلی، او در سال ۸۱۹ هجری قمری و در زمان شاهرخ تیموری برای رسیدگی به امور مالیاتی به یزد آمد و بانی آثار خیر زیادی شد. اگرچه وی کارگزار شاهرخ تیموری بود، و اگرچه با شرف‌الدین علی یزدی - نویسنده‌ی ظفرنامه - ارتباطی داشت، اما نویسنده‌ی کتاب مذکور، آن‌جا که به ذکر احوال شاهرخ پرداخته، نامی از این کارگزار تیموری و دوستش به میان نیاورده است. تنها جایی که با نام و آثار شاه نظام‌الدین کرمانی روبرو هستیم در کتاب‌های تاریخ محلی یزد است. چنان‌که در این گزارش‌ها آمده است، شاهرخ پس از تصرف شیراز و خارج ساختن فرمانروایی از دست میرزا بایقرا حکومت دارالعباده یزد را در اختیار شاه نظام کرمانی گذاشت. (مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۱۵۷) از جمله اقدامات او در یزد دخل و تصرفاتی بود که در مسجد جامع شهر انجام داد؛ به معرفی عناصر معماری به یادگار مانده از او پرداخته می‌شود.

### آثار نظام‌الدین کرمانی در مسجد جامع یزد

پایاب قنات محمودآباد: پایاب قنات محمود آباد (که در تلفظ عوام به آن مردوا گفته می‌شود) دارای دو ورودی در طرفین صحن مسجد است، این دو ورودی در عمق دو و نیم متری به هم می‌رسند. فضای محل استفاده از آب قنات محمود آباد، فضایی هشت ضلعی است و در وسط آن حوضی هشت گوش قرار دارد. اگرچه امروز این قنات و آب آن که البته خشکیده به محمودآباد معروف است اما در زمان تألیف کتاب تاریخ جدید یزد به آب وزیر مشهور بود.

در ذکر بانی پایاب قنات محمودآباد اندک ابهامی در منابع تاریخی یزد وجود دارد. مؤلف تاریخ یزد می‌نویسد: «خواجه محمود خوارزمی در سال ۸۱۰ هجری قمری [در میان مسجد پایایی تمام از خشت پخته و حوض بساخت و آب وزیر در آن‌جا جاری کرد.]» (جعفری، ۱۳۸۴: ۶۰ و ۵۹) اما در کتاب تاریخ جدید یزد آمده است: «شاه نظام کرمانی در سال ۸۱۹ [در میان مسجد پایایی حفر کرد و به خشت پخته و کاشی مزین گردانید و پنجره آهنین بر سر پایاب ساز کرد.]» (کاتب یزدی، ۱۳۵۶: ۹۵) گویا مؤلف جامع مفیدی نیز از کتاب تاریخ جدید یزد در بیان همین مطلب استفاده کرده است. «شاه نظام کرمانی [در صحن مسجد پایایی حفر نموده، به خشت پخته و کاشی مزین گردانید و آب محمودآباد را جاری ساخت.]» (مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۱۵۸ و ۱۵۹ و ۶۴۴) با توجه به این‌که خواجه محمد خوارزمی و شاه نظام کرمانی هر دو در توسعه‌ی مسجد نقش داشته‌اند و نیز هر دو در فاصله‌ی زمانی کمتر از ده سال از هم در آبادانی مسجد همت گماشته‌اند، احتمال می‌رود شاه نظام کرمانی ساخت‌وسازهای نیمه تمام خواجه محمد خوارزمی را ادامه داده و تکمیل کرده باشد. چنان‌که احمد کاتب، در تاریخ جدید یزد برای بخشی دیگر از مسجد به این قضیه اذعان دارد: «خواجه جلال‌الدین محمود خوارزمی به یزد آمد جهت گنبد مسجد جمعه شهر و صفه «نا فتحنا» به کاشی تراشیده و بعضی ثبت کرد و شاه نظام آن را تمام کرد.» (کاتب یزدی، ۱۳۵۶: ۹۵)

قنات محمودآباد یکی از زیرساخت‌های حیاتی و مهم شهر یزد بوده که آب آن مورد استفاده بیشتر اهالی قرار می‌گرفته است. بنا بر نوشته‌ی تاریخ جدید یزد قدمت این قنات به قرن پنجم هجری قمری می‌رسد که امیر محمود وزیر آن را جاری ساخت. (کاتب یزدی، ۱۳۵۶: ۲۲۲) از نوشته‌های مورخان به ارزش حیاتی این قنات می‌توان پی برد: مؤلف تاریخ یزد - جعفر بن محمد بن حسن جعفری - قنات محمودآباد را چنین معرفی می‌کند: «آب محمودآباد در اندرون شهر جاری است و بیرون می‌آید و مردمان از آن مستفیض می‌شوند، و پانزده پایه فرو باید رفت تا به آب رسید.» (جعفری، ۱۳۸۴: ۱۸۱) احمد کاتب در تاریخ جدید یزد می‌نویسد: «بیشتر شهر به این آب عمل می‌کنند.» (کاتب یزدی، ۱۳۵۶: ۲۲۲) در آن زمان آب این قنات به نام آب وزیر بوده و بعدها به آب محمودآباد شهرت پیدا می‌کند، چنان‌که مؤلف جامع مفیدی می‌نویسد: «میاه وزیر الحال به میاه محمودآباد شهرت دارد.» (مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۷۱۳)

حوض جلوخان: قدمت حوض جلوخان مسجد جامع یزد به سال ۸۱۹ هجری قمری باز می‌گردد و بانی آن شاه نظام کرمانی بوده است. (جعفری، ۱۳۸۴: ۶۴) در آن زمان این حوض از طریق «آب تفت» و به وسیله‌ی فواره‌ی سنگی وسط آن پر از آب می‌شده است. (کاتب یزدی، ۱۳۵۶: ۹۶ و مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۱۵۸ و ۶۴۴) این آب، از قناتی بود که سیدرکن‌الدین (متوفی ۷۳۲ هجری قمری) جاری ساخت تا جلوی خانه‌ی استاد خویش شیخ محمد یعقوب ببرد. حکایت از این قرار بود که وقتی سید رکن‌الدین از سفر حج بازگشت به زیارت استاد خویش شیخ محمد یعقوب رفت. دید که استاد از پایاب زارچ بالا می‌آید و آثار خستگی بر چهره‌اش هویدا گشته است. سید رکن‌الدین گفت: «ای استاد! آب تفت بیاورم و بر در خانه تو جاری گردانم» (کاتب یزدی، ۱۳۵۶: ۱۲۸) و در اندک زمانی قنات وقف‌آباد را از فراشاه (اسلامیه‌ی کنونی) جاری ساخت و سهمی از آب تفت خریداری کرده و به آن ملحق نمود و به شهر آورد. او این آب را از محله‌ی دارالشفاء گذراند و به در مسجد جامع آورد و از مجموعه‌ی رکنیه گذر داد و در محله‌ی کوشک‌نو به درب خانه‌ی شیخ محمد یعقوب و خانقاه وی رساند تا استادش بتواند به آسانی وضو بگیرد. (جعفری، ۱۳۸۴: ۱۰۹ و کاتب یزدی، ۱۳۵۶: ۱۲۸ و مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۵۵۶)

از این رو در یزد آب تفت را آب وقف‌آباد هم می‌نامند که، قنات وقف‌آباد یکی از چند قناتی بوده که با آب تفت ممزوج می‌شده و یک نهر را تشکیل می‌دادند. چنان‌که محمد مفید مستوفی بافقی می‌نویسد شاه نظام کرمانی در حوض جلوخان مسجد جامع آب تفت را جاری نمود (مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۱۵۸ و ۶۴۴) و احمد طاهری در تاریخ یزد می‌نگارد: «در آن جلوخان حوضی است که با آب قنات وقف‌آباد آب می‌شود.» (طاهری، ۱۳۱۷: ۳۳) نمونه‌ی دیگر آن که در جامع مفیدی آمده است: سید رکن‌الدین آبی را که بر در خانه‌ی شیخ محمد یعقوب روان ساخت آب وقف‌آباد نام نهاد (مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۵۵۶) و احمد کاتب در تاریخ جدید یزد می‌نویسد: سید رکن‌الدین آب تفت را بر در خانه استاد خود جاری نمود. (کاتب یزدی، ۱۳۵۶: ۱۲۸)

آب تفت از بهترین و مهم‌ترین آب‌های یزد بوده است و بسیاری از محلات و مناطق از آن بهره‌مند می‌شدند. آب این قنات حاصل ترکیب چند قنات بود که از نقاط مختلف شهرستان تفت به سوی شهر یزد جاری می‌شد: (جعفری، ۱۳۸۴: ۱۷۷ و ۱۷۸ و کاتب یزدی، ۱۳۵۶: ۲۱۵) و از روستای چم به صورت نهری در می‌آمد. (کاتب یزدی، ۱۳۵۶: ۱۲۸) این آب بخش مهمی از شهر یزد را مشروب می‌کرد. آب در کانال رو باز وارد محلات مختلف یزد مثل اهرستان، پشت باغ، مصلی، میدان و بازار خان، دارالشفاء، مسجد جامع، وقت‌وساعت، و کوشک‌نو می‌شد و صدها پایاب و آب‌انبار و آسیاب و حوض از آن آب رونق و حیات می‌گرفتند. (جعفری، ۱۳۸۴: ۱۰۹ و ۱۷۷ و ۱۷۸ و کاتب یزدی، ۱۳۵۶: ۱۲۸ و ۱۲۹ و مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۵۵۶ و پاپلی یزدی، لباف خانیکی، ۱۳۸۲)

چنان‌که از نام قنات وقف‌آباد مشخص است، آب این قنات وقف است و طبق نظر واقف، متولی آب حاکم یزد در هر زمان است. از سال ۱۳۴۰ شمسی به بعد که آب شرب یزد از طریق لوله‌کشی و چاه‌های عمیق تأمین شد، آب وقف‌آباد کاربرد حیاتی گذشته خود را از دست داد. اکنون آب حوض جلوخان مسجد با شبکه‌ی آب شهری تأمین می‌گردد. در زمان احیاء و مرمت مسجد جامع که با همّت مرحوم وزیر صورت گرفت، سطح حوض جلوخان را بالاتر آوردند و ترتیبی اتخاذ نمودند تا رطوبت و نم‌دادگی حوض باعث تخریب سردر نشود.

چاه‌خانه‌ی آب سرد: چاه‌خانه‌ی آب سرد یکی دیگر از عناصر تشکیل دهنده‌ی مسجد جامع یزد بوده که امروزه اثری از آن نیست. این چاه‌خانه قبل از سال ۸۱۹ هجری قمری بر پا بوده اما شاه نظام آن چاه‌خانه‌ی کوچک و حقیر را فراخ گردانید و عمارتی بر آن ساخت و سفید و منقش نمود. به در خواست او، شرف‌الدین علی یزدی برای کتابه‌ی چاه‌خانه شعری سروده تا بر آن ثبت شود. این شعر علاوه بر این که بیانگر تاریخ ساخت عمارت چاه آب سرد مسجد جامع یزد است، نگاهی که ایرانیان به نقش و جایگاه آب در مسجد داشته‌اند را هم نشان می‌دهد:

یوسف ما نمود جلوه ز چاه  
ساغر کام پر ز کوثر شد  
آب رفته به جوی باز آمد  
ملک را داد عدل شاه نظام  
صورت زمزم است و بیت الله  
کز صفا یست مروه را ثانی  
سلسبیل مراد کرده سبیل  
ورنه عالم پر از زلال عطاست  
گفت از این رمز نکته وافی  
همه عالم گرفته مالا مال  
بلکه ما خود هم آب و هم جوییم  
چاه خیرست و نوش جام حیات  
در شمار آر گنج دولت شاه  
هشتصد و نوزده بود دریاب

شکر کز دور چرخ و دولت شاه  
یمن اقبال شاه یاور شد  
گردش چرخ کارساز آمد  
فسحتی یافت عرصه اسلام  
در چنین موضع شریف این چاه  
در کش از صدق صاف روحانی  
ساقی بزم عیش نیست بخیل  
غافل از تشنه مانده جرم او راست  
عارف پاک مشرب صافی  
ما چنین تشنه و زلال وصال  
غرق آبیم و آب می جوییم  
سال تاریخش ای ستوده صفات  
گر نگشتی از این دو رمز آگاه  
کین سه فال نکو ز روی حساب  
(جعفری، ۱۳۸۴: ۱۸۵ و ۱۸۶)

سردر مسجد: یکی از شاخصه‌های مسجد جامع یزد که آن را در میان مساجد عالم اسلام بی نظیر و منحصر به فرد می‌نماید، سر در مرتفع و مناره‌های بلند آن است. این سردر مشهورترین عنصر این مسجد به حساب می‌آید و ورودی اصلی مجموعه را مشخص می‌کند. (ایران‌منش، ۱۳۸۱: ۸۷) حسین زمرشیدی در مقاله‌ی «سیری در نماسازی مساجد در ادوار اسلامی» درباره‌ی سردر این مسجد می‌نویسد:

«سردر رفیع و گلدسته‌های بسیار ظریف، زیبا و بلند مسجد جامع کبیر یزد، همراه با تنگ نگهدارنده کل سردر، در شکلی بسیار مطلوب ساخته شده است. کتیبه‌ی خط کوفی کاشی و آجر و مقرنس‌بندی زیر سردر به شکل بسیار جالب طاسه‌دار، خط‌های معقلی متناسب و بسیار شگرف در ساقه‌ی گلدسته‌ها با ذکر محمد و علی متداخل، ترکیب و شیاردھی در انتهای گلدسته‌ها به شکل بسیار استثنایی، هنرهای وصف‌ناپذیر این بنا به‌شمار می‌روند» (زمرشیدی، ۱۳۷۷: ۷۲)

یکی از کتیبه‌های سردر اصلی مسجد جامع در قسمت پیشانی که کاشی کاری شده، به خط ثلث به عرض ۵۰ سانتی متر و مورخ ۸۱۹ است که در عهد شاهرخ بهادرخان به کاشی معرق و به اهتمام شاه نظام کرمانی نصب شده و متن آن چنین است:

«قد نبی هذا البناء المعظم فی عصر میمون شاه [عالم مالک رقاب قاطبه بنی آدم ظل الله فی الارضین با وضع برهان معین الحق و السلطنه و الدین شاه رخ بهادر خان خطه الله سبحانه فی دوام العز و الاقبال ملکه و خلافته و سلطانه به حق محمد و آله الطیبین الطاهرین سیما امیر المومنین علی بن ابی طالب علیه السلام فی سنه تسع و عشر و ثمانمائه] (افشار، ۱۳۷۴: ۱۲۶)

پیشینه‌ی ساخت سردر مسجد جامع یزد به سال ۷۲۴ هجری قمری باز می‌گردد. در آن سال سید رکن‌الدین زمینی را در جنب مسجد عتیق خریداری نمود و طرح مسجدی عالی انداخت. (کاتب یزدی، ۱۳۵۶: ۱۴ و ۱۵) او بر مسجد هفت درب مفتوح کرد. (جعفری، ۱۳۸۴: ۹۵) سردر مسجد در زمان شاه یحیی بن مظفر به سال ۷۷۷ هجری قمری ساخته شد. محمد یوسف کیانی در کتاب تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی در این‌باره نوشته است: «بنای مجدد سردر ورودی [مسجد جامع] و



پوشش تزئینی آن در سال ۷۶۵ الی ۷۷۷ انجام شده است. «کیانی، ۱۳۷۴: ۷۴) معمار سردر مولانا ضیاء الدین بود که آن را با آجر بنا نهاد. (جعفری، ۱۳۸۴: ۹۵) در سال ۸۱۹ هجری قمری شاه نظام کرمانی مسجد را که تا آن زمان گچ اندود و سردر آن آجری بود با کاشی الوان بیاراست و نام میرزا شاهرخ را به درگاه آن ثبت نمود. (جعفری، ۱۳۸۴: ۶۳ و مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۱۵۸ و ۱۵۹ و ۶۴۴) و به استناد تاریخ کتیبه‌ی مسجد در سال ۸۶۱ هجری قمری و بنا به نقل مورخان در سال ۸۶۲ هجری قمری نظام‌الدین حاجی قنبر جهانشاهی در عمارت مجدد پیش طاق مسجد همت گماشت: (کاتب یزدی، ۱۳۵۶: ۲۸۵ و مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۶۴۵) و به خط محمد شاه حکیم القاب حاکم زمان میرزای جهانشاهی بر درگاه مسجد با کاشی تراشیده نصب گردید. (کاتب یزدی، ۱۳۵۶: ۲۸۵ و مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۶۴۵)

ایوان مسجد: مسجد جامع یزد در ردیف مساجد تک ایوانی است. این ایوان از یک سو به حیاط (صحن) و از سوی دیگر به گنبد خانه می‌رسد.

ایوان، یکی از عناصر قدیمی معماری ایران است که سابقه‌ی آن به پیش از اسلام و دوران اشکانیان و ساسانیان می‌رسد. رفته رفته این فضای خالص ایرانی به عنوان علامت مشخصه‌ی مسجد به سبک ایرانی شناخته شده است. ایوان نقش واسطه میان درون و بیرون، سرما و گرما، نور و تاریکی را بر عهده دارد. (عرفان، ۱۳۷۸، ۲۸۲ و ۲۷۳ و حسینی، ۱۳۷۸: ۱۲۱) اصرار در حالت عمودی ایوان مسجد جامع یزد بسیار چشمگیر است. (پوپ، ۱۳۸۲: ۱۸۵) عبدالغفور طاهری در «تذکره جلالی» در وصف رفعت و عظمت مسجد جامع یزد و ایوان آن می‌نویسد: «و این مسجدی است بس عالی، بنایی است بس متعالی، مشتمل بر گنبد و ایوانی رفیع البنیان و مزین به کاشی تراشیده الوان.» (طاهری، ۱۳۴۴: ۱۱۵) در کتاب «مساجد تاریخی شهر یزد» در توصیف ایوان مسجد جامع یزد آمده است: «زیباترین بخش بنا را می‌توان مجموعه ایوان و گنبد خانه و فضاهای پیرامون آن نامید نمای ایوان رفیع با مجموعه‌ای از زیباترین تزئینات کاشی معرق و با نقوش اسلیمی و گیاهی و نیز گره چینی پوشانده شده است. این تزئینات همراه با آجرهای ضربی و نقوش معقلی و کتیبه کاشی معرق و کوفی بنایی مجموعه‌ای بدیع و خیره کننده آفریده‌اند که تحسین هر بیننده‌ای را بر می‌انگیزد.» (خادم‌زاده، ۱۳۸۴: ۹۰)

ساخت ایوان مسجد جامع یزد در دوره‌های مختلف تاریخی صورت پذیرفته است. در سالهای ۷۲۴ تا ۷۲۸ هجری قمری یعنی در زمان حیات سید رکن الدین، شالوده ایران مقصوره بنا شد. پس از سال ۷۲۵ توسط شرف الدین علی (بنا به وصیت سیدرکن‌الدین) ساخت مسجد ادامه یافت و ایوان و پوشش‌های تزئینی آن تکمیل گردید. در سالهای ۷۶۵ تا ۷۷۷ هجری قمری نمای صحن ساخته شد. (کیانی، ۱۳۷۴: ۷۵) جلال‌الدین محمود خوارزمی در سال ۸۰۹ هجری قمری کتیبه‌ی ایوان و صحن را به سوره «انّا فتحنا» با کاشی معرق، تزئین کرد (کاتب یزدی، ۱۳۵۶: ۷۵) و ادامه آن توسط شاه نظام کرمانی در سال ۸۱۹ هجری قمری انجام پذیرفت. (جعفری، ۱۳۸۴: ۴۵) در سال ۸۳۶ هجری قمری سستی فاطمه خاتون، زیر ستون‌های مرمرین طرفین ایوان و ستون‌های کاشی روی آن‌ها را بنا نهاد و روبروی ایوان را با سنگ مرمرین فرش نمود. (کاتب یزدی، ۱۳۵۶: ۱۱۵)

«کتیبه کاشی معرق به خط نسخ بر بالای سر ستون‌ها عبارات:

دست راست: فی زمن السلطان الاعظم معین الحق و الخلاقه و الدین شاه رخ بهادر سلطان خلد الله تعالی ملکه و سلطنته فی العالم

دست چپ: «امرت باعلاء المبانی توفيقاً بفضل الله الحامی امراه الامیر چقماق الشامی سمیته بنت الرسول فاطمه البتول فتقبلها بقبول حسن فی شهر (کذا) سنه ۸۳۶

از ابتدای قسمت خمیده طاق ایوان و از طرف راست آن کتیبه‌ای به خط نسخ جلی خوش که سوره «الفتح» است شروع و در دوره حیات دور می‌زده و در طرف دست راست تمام می‌شده ولی از قسمت حیاط چیزی باقی نیست و از «مستقیماً آخری لم»

تا «یعجب الزراع» به طرف مقابل آن ختم می‌شود. (افشار، ۱۳۷۴: ۱۴۸) چنان که از منابع تاریخی بر می‌آید انشاء این کتیبه در دوران خواجه محمود خوارزمی (۸۰۹ هـ ق) آغاز شد و در دوره‌ی شاه نظام کرمانی (۸۱۹ هـ ق) به انجام رسید. (کاتب یزدی، ۱۳۵۶: ۹۵) متأسفانه در ساخت‌وسازهای شاهزاده محمد ولی میرزا (در دوره‌ی قاجار) قسمت اعظم آن کتیبه از بین رفته است و هم اکنون بخشی از آن بر نمای ایوان صحن مسجد باقی مانده است.

آن قسمت از کتابه که در دوران شاه نظام انشاء شد، توسط سرآمد خوش‌نویسان زمان مولانا بهاء‌الدین هزار اسب بود. گفته می‌شود: زمانی که شاه نظام تصمیم داشت مسجد را به کتیبه‌ی انا فتحنا مزین نماید، از بهاء‌الدین خواست تا با خط زیبایش آن را بنویسد. بهاء‌الدین که هشتاد سال از عمرش گذشته بود با وجود کهولت و ناتوانی بسیاری که داشت مسئولیت این کار را پذیرفت. او همان شب خواب دید در محضر مبارک حضرت محمد(ص) قرار دارد و ایشان او را به نوشتن سوره امر می‌فرمایند. بهاء‌الدین در حضور پیامبر از رعشه دست و کم‌سو بودن چشم ابراز ناراحتی کرد. پیامبر قلم تراشیده‌ای به او دادند. زمانی که بهاء‌الدین از خواب بیدار شد قلم را در دست خود دید؛ و نسبت به مسئولیتی که بر عهده‌اش گذاشته شده بود اقدام کرد. (کاتب یزدی، ۱۳۵۶: ۱۵۸)

## نتیجه‌گیری

مسجد جامع یزد، مجموعه‌ای است از مکاتب گوناگون تاریخ معماری ایرانی؛ چراکه در طول حیاتش ساخت‌وسازها هماهنگ با آثار پیشینیان بوده است. یکی از دوره‌های تاریخ معماری ایرانی اسلامی که در مسجد جامع یزد جلوه‌گری می‌کند، دوره‌ی تیموری است. شاه نظام‌الدین کرمانی یکی از کسانی است که در این دوره آثار خیر متعددی در مسجد از خود به یادگار گذاشته است. او در این گذر تاریخی به تکمیل آثار پیشینیان پرداخته و آیندگان ادامه دهنده‌ی عمارت‌های وی بوده‌اند و به این ترتیب هویت ایرانی اسلامی در صورت معماری حفظ و حراست گردیده است.

## مراجع

- افشار، ایرج، یادگارهای یزد، جلد ۲، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴
- افشار، ایرج، یزد نامه، جلد ۱، چاپ نقش جهان، تهران، ۱۳۷۱
- ایران منش، محمد، بررسی یک شباهت، دو فصل‌نامه صّفه، شماره ۳۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، صفحات ۸۴-۹۲
- پاپلی یزدی، محمدحسین و مجید لباف خانیکی، قنات‌های تفت، سازمان میراث فرهنگی، تهران، ۱۳۸۲
- پوپ، معماری ایران، ترجمه: غلامحسین صدری افشار، اختران، تهران، ۱۳۸۲
- حسینی، سید بهشید، چستی شناسی نظام شکل، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده، دانشگاه هنر، ۱۳۷۸، دانشگاه هنر، ۱۳۷۸، صفحات ۱۱۵-۱۳۳
- جعفری، جعفر بن محمد بن حسن، تاریخ یزد، به کوشش ایرج افشار، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۴
- خادم‌زاده، محمدحسن، مساجد تاریخی شهر یزد، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ۱۳۸۴
- طاهری، احمد، تاریخ یزد، گلپهار، یزد، ۱۳۱۷
- طاهری، عبدالغفور، تذکره جلالی، به کوشش ایرج افشار، فرهنگ ایران زمین، جلد ۱۳، ۱۳۴۴، صفحات ۱۰۱-۱۵۴



۳ و ۴ بهمن ماه ۱۳۹۴

همایش ملی  
فرهنگ، گردشگری و هویت شهری  
موسسه مهر اندیشان ارفع  
National conference on  
culture, tourism and city identity



عرفان، محمد، سلسله مطالعاتی پیرامون معماری مسجد، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده، دانشگاه هنر، ۱۳۷۸، صفحات ۲۷۱-۲۸۷

کاتب، احمد بن حسین بن علی، تاریخ جدید یزد، به کوشش ایرج افشار، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۶

کیانی، محمد یوسف، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، سمت، تهران، ۱۳۷۴

مستوفی بافقی، محمد مفید، جامع مفیدی، به کوشش ایرج افشار، جلد ۱ و ۳، کتابفروشی اسدی، تهران، ۱۳۴۰

ویلبر، دونالد، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ترجمه عبدالله فریار، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۵